

چگونه توانستم پرخاشگری دانش آموزی را کاهش دهم؟

محمد کاکی

^۱ کارشناسی ارشد، برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور اصفهان
اداره آموزش و پرورش شهرستان آبدانان، آموزشگاه شهید جوزی

چکیده:

پژوهش حاضر در رابطه با پرخاشگری و علل و علائم آن، راههای تعدیل آن، نکاتی در مورد عوامل شناختی پرخاشگری و ... می باشد. یکی از مشکلاتی که خانواده ها، مدیران، معاونان و معلمان مدارس با آن روبرو هستند، مشکل پرخاشگری کودکان و نوجوانان است. پیشگیری از این مشکلات و یا کاهش آن، آگاهی خانواده ها و اولیای مدارس از علائم این مشکل و علل ایجاد آن و نیز راههای برخورد با این مسأله کاملاً ضروری است. همچنین یکی از سؤالاتی که غالباً توسط پدران، مادران و معلمان مطرح می شود این است که با افراد پرخاشگر چگونه باید رفتار کرد. کودکان پرخاشگر در اوایل زندگی به گونه ای پرورش یافته اند که خیلی سریع گناه را به گردن دیگران بیندازند. طبیعت افراد انسانی به گونه ای است که در مواجهه با رویدادهای خاص به علل بوجد آوردن آن مراجعه نموده و با تحلیل آن موضع گیری های متفاوتی را از خود نشان می دهند.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، کودک، دانش آموز

مقدمه

پرخاشگری، رفتاری آموخته شده است. اگر کودک به هدفش نرسد و ناکام شود، یکی از رفتارهای او رفتار پرخاشگرانه خواهد بود که بدان وسیله نیاز درونی خود را برآورده می سازد. اگر کودکی از طریق توسل به رفتارهای پرخاشگرانه به خواسته هایش برسد، به تدریج می آموزد که در آینده بیش تر از این گونه رفتارها استفاده کند. در این زمینه، خانواده، مدرسه و جامعه نقش بسیار مهمی دارند.

بی توجهی تا توجه افراطی اعضای خانواده به کودک، تنبیه های شدید، تبعیض ها و بی عدالتی ها بین فرزندان، تشویق های بیجا، حسادت و احساس نا امنی، واگذاری کارهای فراوان و خارج از توان به کودک، نزاع ها و کشمکش های خانوادگی، بی ارزش شمردن کودک، دخالت های بیش از حد و بی مورد بزرگ ترها در کارهای کودکان، ممانعت از فعالیت های کودک و عدم استفاده صحیح از اوقات فراغت، رفتارهای متناقض والدین در تربیت کودک، فقر اقتصادی خانواده ممکن است به بروز رفتارهای پرخاشگرانه بینجامد. همچنین کودکان با مشاهده ی رفتارهای پرخاشگرانه و تهدید آمیز معلمان و دوستان در مدرسه، ملاحظه صحنه ی درگیری خشن و کشت و کشتار و شنیدن داستان های خشونت آمیز، رفتار پرخاشگرانه را می آموزند. (شفیع آبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۱۷)

توصیف وضع موجود:

اول مهر ماه بود و من وارد مدرسه شدم که پایه اول را انتخاب کردم و این کلاس ۲۸ دانش آموز داشت از آن ها هیچ شناختی نداشتم، چون من اولین بار بود به آن مدرسه می رفتم. ساعت اول با معرفی بچه ها آغاز شد. هنوز چند دقیقه ای از شروع کلاس نگذشته بود که رفتار یکی از شاگردان توجه مرا به خود جلب کرد. در میز دوم ردیف وسط دانش آموزی نشسته بودو با پرسیدن فهمیدم که نام او فرزاد است که با جثه ای متوسط که وقتی نگاهم به او افتاد مشغول در آوردن شکلک به یکی از بچه ها بود. وقتی دید نگاهم بر روی